کاغذ اخبار

جای خالی هویت ملی در کتاب‌های درسی

در سال‌های اخیر محتوای کتاب‌های درسی به عنوان یکی از موضوعات قابل بحث و بررسی در حوزه آموزش و پرورش بوده است. موضوعی که مولفان کتاب‌های آموزشی را به فکر تغییر در متن کتاب و عناوین آنها انداخت. با این حال هنوز هم شاهد کاستی‌هایی در محتوای بنیادین کتاب‌های آموزشی هستیم. اما به تازگی کتابی با عنوان «یکصدسال سفیدخوانی در کلاس درس» راهی بازار نشر شده که به بررسی نظام‌های آموزشی ایران از زمان قاجار تا امروز می‌پردازد. مریم بابایی خرسندی نویسنده آن می‌گوید: کتاب‌های درسی، بهترین ابزار برای انتقال مفاهیم شکل‌دهنده و تقویت‌کننده هویت ملی‌اند و کودکان و نوجوانان، بهترین گیرندگان این آموزش‌ها هستند. «یکصدسال سفیدخوانی در کلاس درس» برای بررسی نقش کتاب‌های درسی در هویت‌دهی به کودکان و نوجوانان ایرانی، در بازه زمانی صد سال اخیر نوشته شده است. به این‌ترتیب نظام‌های آموزشی ایران از دوران قاجاریه تا امروز مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند.

کتاب پیش‌رو شامل ۴ فصل و یک پیوست است که فصل اول آن به تعریف هویت ملی و ابعاد آن اختصاص دارد. در فصل دوم، برای درک بهتر آمیختگی هویت ملی با کتاب درسی، اشاره‌ای به سیر تحولات نظام آموزشی شده و در فصل سوم هم نویسنده پس از بررسی بیش از ۱۵۰۰ صفحه از متن درسی مربوط به کتاب‌های منتخب درس فارسی، در بازه صد ساله مورد نظر، فراوانی مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت ملی را استخراج کرده است. سپس در فصل چهارم با تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی هر دوره نشان داده توجه یا بی‌توجهی عمدی یا ناآگاهانه نسبت به برخی مولفه‌های این بحث چه عواقبی در پی داشته است. گفتنی است منافع مالی نویسنده کتاب از فروش آن، صرف کودکان مناطق محروم برای رفتن به مدرسه خواهد شد.

کاوه فرزانه درگذشت

«کاوه فرزانه» عکاس طبیعت و حیات وحش و پژوهشگر، هفته گذشته بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت.

مسعود زنده روح کرمانی، عکاس خبر درگذشت زنده‌یاد فرزانه را تایید کرد و گفت: مطلع شدم که آقای فرزانه پس از ابتلا به کرونا ۲۳ تیرماه بر اثر ایست قلبی در منزل از دنیا رفته‌اند و مراسم تشییع پیکر ایشان ۲۴ تیرماه در امامزاده عبدالله مهرشهر انجام شد؛ اما از آنجا که تمام اعضای خانواده به کرونا مبتلا شده بودند امکان اطلاع رسانی نبود. ضمن اینکه امروز مراسم کوچک خانوادگی برای ایشان برگزار خواهد شد. زنده روح کرمانی درباره کاوه فرزانه فقید گفت: آقای فرزانه شاگردان زیادی را در عرصه عکاسی تربیت کردند و در یک سال و نیم گذشته کلاس‌های آنلاین خود را با جدیت ادامه دادند. تنها می‌توانم بگویم یکی دیگر از سرمایه‌های اجتماعی خود را از دست دادیم.

در روز شهادت امام محمد باقر(ع) گوشه‌ای از فضایل ایشان را نقل کرده‌ایم

دریا زیر خاک بقیع

قرستان بقیع

علی رئوف
روزنامه‌نگار

امام پنجم شیعیان به فرزندش جعفر صادق گفت، بنویسد: «مرا در لباسی که روز جمعه با آن نماز می‌خواندم، کفن کن و عمامه‌ام را بر سرم بپیچ و قبرم را چهار گوش کن و به اندازه چهار انگشت از زمین، بلند گردان، هنگام دفن، بندهای کفنم را باز کن.» امام جعفر صادق(علیه‌السلام) پرسید چه نیازی است به نوشتن؟ پدر گفت: «از آن می‌ترسم که مردم در مورد تکفین من با تو ستیز کنند. اگر آنها گفتند پدرت را با چهار یا پنج کفن تکفین کن، سخن آنها را گوش نکن. عمامه‌ام را بر سرم بپیچ و عمامه جزء کفن به شمار نمی‌آید، بلکه کفن آن است که بدن به آن پیچیده شود.» پس از آن امام باقر (علیه‌السلام) مقداری پول به پسرش داد که به نوحه‌خوان‌ها بدهد که پنج سال در منا برایش مراسم عزا بگیرند و نوحه کنند.

وصیت امام باقر (علیه‌السلام) را که می‌خوانی به این می‌رسی که ایشان حتی در لحظات و جملات آخر هم در پی هدایت و روشنگری آموزه‌های تشیع برای نسل‌های بعدی شیعیان بوده‌اند. شخصیتی که در پنج سالگی حادثه کربلا را به چشم دید و روایات شهادت می‌دهند که صحنه‌های عاشورای ۶۱ هجری تا لحظه آخر از خاطر ایشان نرفت. شخصیت برجسته علمی ایشان از لقب‌شان که باقرالعلوم (شکافنده علوم) است و توسط پیامبر اسلام انتخاب شده پیداست. علمی که بروز آن در فرزند ایشان به کمال رسید و آثار به جا مانده از آنان، بنیان‌های فکری تشیع را شکل داد تا جایی که «قال الباقر» و «قال الصادق» هنوز هم قوی‌ترین مرجع استناد دانشمندان علوم دینی است.

ملاقات جابر و حدیث لوح

جابربن عبدا... انصاری در تاریخ اسلام، شخصیت خاصی است. تاریخ اسلام را که ورق بزنید و روایات مختلف را که بخوانید چهره‌های مختلفی از او را در موقعیت‌های مختلف می‌بینید. از عاقل مردی مشتاق و فعال در زمان پیامبر تا پیرمردی عاشق‌پیشه و دانا در زمان امام حسین (ع) و فرزند و نوه ایشان. مردی که در راه اسلام شکنجه و سختی کشید اما دست نکشید. آن‌قدر در این راه ثابت قدم بود که پیامبر او را از خودش خواند و خطاب به او گفت: «خدای سبحان دشمن کسی است که با تو دشمن است و دوستدار کسی است که تو را دوست داشته باشد.»

سفر اربعین که امروزه یکی از نشانه‌های بزرگ تشیع در جهان است و یک نمونه عینی از آرمان‌شهری که شیعیان برای دنیا متصورند، میراث همین پیرمرد عاشق‌پیشه است. جابر(ع) اولین کسی بود که به همراه شاگردش راهی کربلا شد و بیستم صفر سال ۶۱ به زمینی رسید که خون خدا بر خاک گرم آن جاری شده بود. وصفی که عطیه، شاگرد جابر از این پیرمرد دارد باورنکردنی است. کسی که قبر محبوبش حسین(ع) را با بوکشیدن شناخت و مرثیه‌ای برای او گفت که یکی از ماندگارترین مراثی کربلاست. یکی از نقل‌های معروفی که از جابربن عبدا... انصاری وجود دارد مربوط به ملاقاتی است که او با امام محمدباقر(ع) داشته است. اطرافیانش نقل کرده‌اند آخرین آرزوی زندگی جابر، دیدن محمدباقر از نسل رسول خدا بود. به طوری که اواخر عمرش در مسجد صدا می‌زد: «کجاست محمد باقر؟» تا این که بالاخره او را پیدا کرد و آن ملاقات تاریخی شکل گرفت.

ماجرا از این قرار بود که رسول خدا به جابر وعده عمر طولانی داده و گفته بود تو آن‌قدر عمر می‌کنی که از فرزندانم که هم اسم من است و لقبش شکافنده علم است را می‌بینی،. او را که دیدی سلام من را به او برسان.

جابر در آن ملاقات امام محمد باقر را در آغوش کشید و مثل کسی که سال‌ها منتظر بوده تا رسالتش را انجام دهد، پیشانی او را بوسید و سلام پیامبر خدا را رساند و حدیث لوح را بار دیگر آنجا مطرح کرد. نوشته‌اند، پوستینی از قبا درآورد که روی آن جملاتی نوشته شده بود. حدیث لوح را راویان مختلفی روایت کرده‌اند اما روایت جابربن عبدا... انصاری از همه جالب‌تر و موثق‌تر است. جابر در ملاقاتش با امام باقر (ع) ماجرای دیدن آن لوح را تعریف می‌کند. روایت می‌کند بعد از ولادت امام حسین(ع) برای عرض تبریک خدمت حضرت زهرا س) رفته بوده که لوحی سبز رنگ را در دست ایشان دیده که از شدت درخشش و زیبایی تصور کرده زمرد است. سوال کرده و جواب شنیده این لوح، هدیه‌ای آسمانی است که به رسول خدا رسیده تا به مادر حسین(ع) هدیه کند و تولد این مولود مبارک را تبریک بگوید. جابر نقل می‌کند که آن لوح را در دست گرفته و دیده جملاتی روی آن نوشته شده، انگار با نور خورشید نوشته باشند، برق می‌زند. بعد هم فورا پوستینی آورده و تمام آنچه روی لوح بوده را بازنویسی کرده است. در حدیث، نام تمام امامان و اوصیا از ذریه حضرت زهرا (س) قید شده است.

درسی برای انسان مصیبت‌زده امروز

این روزها که آمار مصیبت در دنیا روز به روز بالاتر می‌رود و انسان‌ها داغ روی داغ می‌گذارند بیشتر به این می‌رسیم که این، سیاره رنج است. انسان آمده چندی این تلخی را تحمل کند و وظیفه‌اش را انجام دهد و بارش را زمین بگذارد و برود. این روزها که آدم‌های مصیبت‌زده را بیشتر دور و برمان می‌بینیم و مصیبت را از همیشه به خودمان نزدیک‌تر، این روزها که بازار کتاب‌های روان‌شناسی گرم است و روان‌شناسان هر روز سعی می‌کنند انسان‌های داغ‌دیده را تسلی بدهند و کاری کنند که به زندگی عادی لبخند بزنند، این روایت از امام محمد باقر (ع) را لازم است بخوانیم و درباره آن فکر کنیم.

اصحاب امام باقر(ع) نقل می‌کنند فرزند خردسال امام بیمار بود و امام بسیار از این مصیبت برآشفته. اصحاب می‌گویند روزی به خانه امام رفتیم و دیدیم حال فرزندشان بدتر شده و حال امام چنان به هم ریخته و ناراحت است که با خودمان گفتیم اگر این فرزند بمیرد، بیم آن می‌رود که خود امام نیز از دنیا بروند. چندی گذشت و ناگهان صدای ضجه زنان بلند شد و فهمیدیم فرزند فوت شده است. درمانده بودیم چه کنیم و بیش از همه چیز بر جان امام محمد باقر (ع) بیم داشتیم. شک نداشتیم کسی که تا همین چند ساعت پیش که فرزندش زنده و بیمار بود آن‌طور برآشفته بود، الان که فرزندش را از دست داده دیگر حالش بسیار بدتر است. در همین احوال بودیم که امام محمد باقر(ع) از پس پرده‌ای که زن‌ها و کودک بیمار پشت آن بودند، بیرون آمدند در حالی که لبخند به لب داشتند و حال‌شان عادی به نظر می‌رسید. فورا به سراغ ایشان رفتیم، تسلیت گفتیم و دلداری‌شان دادیم و از حال‌شان پرسیدیم. گفتیم: «شما تا همین چند ساعت پیش که فرزندتان بیمار بود حال‌تان آشفته بود. چه شد حالا پس از مرگ ایشان حال‌تان عادی است؟» امام در پاسخ این سوال جمله‌ای گفتند که نهایت رضایت در برابر خواست خدا است و آموزه‌ای است که می‌تواند انسان مصیبت‌زده دنیای امروز را از این همه آشفتگی نجات دهد. ایشان گفتند: «انا نحب ان نعافی فیمن نحب فاذا جاء امرا... سلمنا ا... فیما یحب؛ ما دوست داریم محبوب و عزیز ما در عافیت باشد و چون قضای خدا بیاید تسلیم آن کار می‌شویم که خدا دوست داشته است».

کاغذ اخبار

درگذشت نویسنده دایره‌المعارف الحیات

صبح روز چهارشنبه، ۲۳ تیرماه، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی حکیمی، قرآن پژوه، استاد حوزه علمیه و یکی از مولفین دایره‌المعارف الحیات، در ۷۸ سالگی درگذشت. حکیمی برادر کوچک‌تر علامه محمدرضا حکیمی، فیلسوف و دانشمند جهان اسلام، متولد ۱۳۲۲ در شهر مشهد بود.

او بعد از گذراندن دوران ابتدایی و در ۱۴ سالگی، برای فراگیری علوم اسلامی راهی مدرسه عالی نواب در مشهد، شد. علی حکیمی در دوران تحصیل علوم دینی، از کلاس درس اساتیدی چون ادیب نیشابوری، آیتا... حاج میرزا احمد مدرس، آیتا... وحید خراسانی و آیتا... حاج شیخ مجتبی قزوینی، عالم مکتب معارف خراسان بهره‌مند شده بود.

به گفته خود، از همان اوایل طلبگی به مطالعه علوم روز و رشته‌های برون حوزه‌ای علاقه داشت و در زمان فراغت و تعطیلی درس‌های حوزوی خود، به آنها می‌پرداخت. از ماندگارترین فعالیت این استاد حوزه علمیه، می‌توان به مشارکت در تألیف دایره‌المعارف الحیات همراه با برادر خود، علامه محمدرضا حکیمی، فیلسوف عدالت، اشاره کرد.

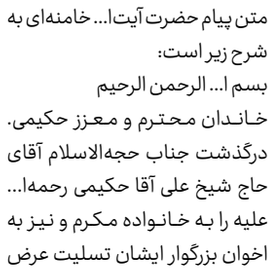

این دایره‌المعارف مجموعه‌ای ۱۲جلدی به زبان عربی است که نگارش آن از سال ۱۳۵۳ آغاز شد و سال ۱۳۹۴ پس از ۴۰ سال، آخرین جلد آن نیز منتشر شد. نویسندگان این اثر، هدف نگارش دایره‌المعارف الحیات را ارائه سیمای اسلام و تشیع، بر محوریت عدالت اجتماعی و آزادگی فردی برشمرده و مبنای مباحث خود را بر پایه آیات قرآن و احادیث قرار داده‌اند.

پس از رحلت این عالم بزرگ، اساتید حوزه و رجال سیاسی درگذشت ایشان را به خانواده و جامعه علمی تسلیت گفتند. رهبر انقلاب نیز در پیامی درگذشت حجت‌الاسلام علی حکیمی را تسلیت گفتند.

متن پیام حضرت آیتا... خامنه‌ای به شرح زیر است:

بسم ا... الرحمن الرحیم

خاندان محترم و معزز حکیمی.
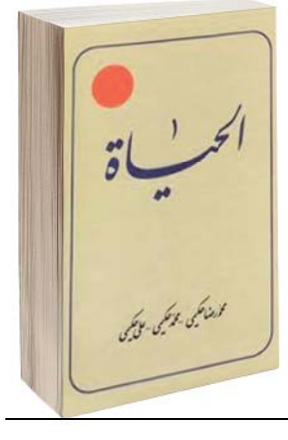
درگذشت جناب حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی آقا حکیمی رحمه‌ا... علیه را به خانواده مکرم و نیز به اخوان بزرگوار ایشان تسلیت عرض می‌کنم. آن مرحوم همه عمر را با آزادگی و سلامت نفس و پرهیزکاری گذرانید و امید است اکنون در پناه رحمت و رضوان الهی قرار گرفته است؛ ان‌شاءا...